

اتانازیا'

با مطالعه‌ی تطبیقی در فقه و حقوق جزای ایران

اشاره

از باب طرح مساله از اینجا شروع خواهیم کرد که به چه علت، اتانازیا تبدیل به مساله‌ای شده است که توانسته حساسیتهای حقوق را به خود جلب کند. در ماه می سال ۱۹۹۹ در سوئد، مساله‌ی اتانازیا به شدت موجب بحث و جدل شد. موضوع از این قرار بود که مادری، فرزندش را با استاد به مشکل آفرینی و ایجاد هزینه‌های بسیار برای خانواده و جامعه، اتانازیا کرد که البته این جریان نه اولین و نه آخرین مورد از نوع خودش می‌باشد. اما اتانازیا آیا به معنای قتل است؟ آیا مسئولیت کیفری خاصی به دنبال دارد؟ کلید واژه‌ها: اتانازیا (- یا)، فقه، حقوق جزای ایران، حیات بیمار، قتل، مسئولیت کیفری.

سیدمحمد مهدی غمامی

Mmghama my@Yahoo.com

مقدمه

همواره در جریان پیشرفتهای علمی فنی، علم حقوق کنجکاوانه به پردازش آن حرکتها اهتمام و سختگیرانه بر آن مصمم بوده است تا هیچ حرکتی را از دایره‌ی نظارت خود خارج نبیند، امری که آرمانها و هدفهای جامعه و تک تک افراد جامعه را تضمین میکند.

از جمله مسائلی که علم حقوق را به واکنش شدید برانگیخته است، اتانازیا است. موضوعی که سایر علوم هم نسبت به آن بی‌اعتنا نمانده‌اند حتی بعضی از آنها در ایجاد حساسیت حقوق نسبت به اتانازیا، تلاش بسیاری از خود بروز داده‌اند.

در این مقاله، بعد از نگاهی تاریخی به بحث اتانازیا، به بررسی آن در حوزه‌های اخلاق، پزشکی، دین و فقه و سرانجام در حقوق خواهیم پرداخت.

نگاهی تاریخی

خوستگاه اتانازیا را می‌توان یونان معرفی کرد نه از این نظر که یونانیان بیش از همه به آن می‌پرداختند بلکه، بر اساس عقاید فلسفی، آنان نخستین کسانی هستند که اتانازیا را توجیه کردند. سقراط، افلاطون و رواقیون، قتل از روی ترحم را اخلاقی می‌دانستند. ارسطو در کتاب «جمهوریت» اتانازیا را یک تاسیس قابل توجیه می‌داند، فیثاغورث، اپیکوس، سنکا و سیسروپلینی، مرگ بیماران و افراد ضعیف و مسن را امری ستایش شده می‌پنداشتند.^۲

در هندوستان زمانی رسم بود که افراد مسن توسط فرزندانشان در رود گنگ ریخته می‌شدند و در ساردین باستان، با افراد پیر و معلول، رفتار خشونت‌آمیزی صورت می‌گرفت که اغلب انگیزه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرگ این افراد را نیز دربرمی‌داشت.^۲

شرایط چند از هرگونه مسئولیت کیفری و مدنی میرا شد. البته ناگفته نماند در یک ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا، یعنی ایالت اورگون وضعیتی مشابه برقرار است که با توجه به نظریه‌های مخالف دولت فدرال، وضعیت مذکور دارای ثبات قابل توجهی نیست.^۸

اتفاق‌های مذکور در بعضی از کشورها تاثیرهای قابل توجهی به جا گذاشته است به طوری که قانونی‌سازی اتانازیا در هلند بحث‌های زیادی را در فرانسه و سوئد برانگیخته است تا جایی که طرح قانونی سازی اتانازیا بارها به مجلس ملی و سنای فرانسه رفته است و در سوئد، مادری که به علت معلولیت فرزندش، اقدام به اتانازیای وی کرد تبرئه شد. همچنین در سوئیس، اتانازیا بر اساس

توماس مور، در کتاب اتوپیا، قتل بیماران بی‌علاج را برای رهایی از درد و رنج و کاهش هزینه‌های تحمیل شده به جامعه، قابل دفاع و مشروع دانسته است. از فلسفه‌ی دوران جدید، منتسکیو، ولتر و هیوم خودکشی را تایید کرده‌اند. به خصوص دیوید هیوم، معتقد بود زندگی بدون تاثیر کاری، بی‌ارزش است و در جامعه‌ی بشری می‌باید «بی‌ارزشها» حذف شوند. این طرز فکر زمانی پا به دنیای جدید می‌گذارد که نه فقط علت ترحم برای عمل اتانازیا را همچنان حفظ کرده است بلکه به عناوین دیگری مانند «دفاع از کیفیت زندگی» یا «دفاع از شرافت زندگی»^۵ تمسک جسته است.

در مقابل، جامعه‌ی مذهبی و معتقد به مبدا و معاد، اتانازیا را امری نامشروع و غیر قابل توجیه میدانند، اگر چه به طور قطع به خاطر همین اعتقادات، شهادت و ریاضت را امری پسندیده و ستودنی معرفی می‌کند.

از زاویه‌ای دیگر، دانشمندان و متفکران نامداری، به اسم «انسانیت»، «مقام مقدس انسانی» و... به محکومیت اتانازیا پرداخته‌اند. بقراط از مخالفان سرسخت اتانازیا و خودکشی بود، فرانسویس بیکن - خالق فلسفه‌ی دنیای فن‌آوری - مینویسد «پزشکان نه فقط باید کمک کنند تا بیمار بهبود یابد، بلکه باید سعی کنند، تسکین دهنده‌ی درد باشند.»^۷

به هر حال، بعد از قرن‌ها، اتانازیا به مدد توصیه‌های اخلاقی، پزشکی و حتی فلسفی، توانست در قرن بیستم، عرصه‌ای را برای حضور قانونی خود پیدا کند. انجمن‌های طرفداران آزادسازی اتانازیا در ژاپن (۱۹۳۲)، انگلیس (۱۹۳۵)، کانادا (۱۹۷۰)، هلند (۱۹۷۶) و آمریکا (۱۹۷۸) همگی سعی در قانونی سازی اتانازیا داشتند ولی اولین موفقیت متعلق به انجمن اتانازیای ژاپن در سال ۱۹۶۲ می‌باشد. فعالیتهای گسترده‌ی طرفداران اتانازیا فقط در هلند قطعی و کامل داده و با قانون ۱۰ آوریل ۲۰۰۱، اتانازیا با



انگیزه‌ی ترحم‌آمیز مستوجب حبس موقت است - حداکثر ۵ سال - و در اسپانیا و دانمارک مجازات عامل حداکثر ۳ سال حبس است.

نگاهی اخلاقی و پزشکی

در دوه‌دهمی اخیر با واژه‌ی تجدید حیات یافته‌ای در حقوق روبرو شده‌ایم که در این حیات دوباره‌ی خودش، نقش بسیار چشمگیر و ویژه‌ای را بازی میکند. «اخلاق» عنوان است که در میان تمامی بنای بشر، معنا داشته است ولی اینکه امروزه با ماهیتی متفاوت وارد زندگی فردی و اجتماعی بشر شده است. این سؤال را مطرح خواهد کرد که «اخلاق» این‌بار مفید کدام معنا قرار گرفته است.

اخلاق که همواره در ارزشهای دینی ریشه داشته است، در دوره‌ی خلاء معنویت حاصل از تفکر اومانیستی، مبتنی بر تفکرات فلسفه‌ی پست مدرن تجدید حیات یافته است. ولی در معنای جدید، خصوصیت «نسبیت» در آن بسیار موج میزند.

همین «نسبیت» عاملی است تا هم مخالفان و هم موافقان، در توجیه آرای خود به عنوان «اخلاق» تمسک کنند.

موافقان آزادسازی اتانازیا با پیش کشیدن بحث درد و رنج بیماران بی‌علاج و بیان اینکه مشاهده‌ی چنین وضعیتی، هر انسانی را متاثر میکند و آیا نه اینکه این بیمار بزودی نخواهد مرد؟ حکمی می‌دهند که آن را مستند به اخلاق و وجدان میکنند. طبق رای آنان، چرا این

بیمار زندگی‌ای را که در عذاب و رنج است ترک کند در حالی که به‌رحال خواهد مرد.

مخالفان اتانازیا، می‌گویند که: اتانازیا چیزی نیست که بیمار، حتی در بدترین حالتها، آن را طلب کند، اما همراهی نکردن دوستان و خانواده و چشمانی که بیمار را به سوی مرگ راهنمایی میکنند، همگی به بیمار می‌گویند که: دیگر مفید نیست و فقط بار سنگینی است که با روح و روان و فرصت‌های مالی دیگران بازی میکنند. با تمام این مقدمات، چاره‌های جز اتانازیا برای بیمار باقی نمی‌ماند. با خودداری از ابراز احساسات انسانی به بیمار شمع امید را در وی خاموش کرده‌اند و ناامیدی، «مرگ روحی» است. پس جای تعجب نخواهد بود اگر بیمار طلب مرگ جسمی کند.^۸

در ادامه مخالفان تاکید دارند که زندگی به خودی خود ارزشی ندارد همانطور که ممت بذات ارزش ندارد. ارزش زندگی به راحتی

و بیدرد بودن نیست. پس تکیه بر عناوینی چون کیفیت زندگی و زندگی بدون درد بی‌معنا است.

بسیاری از پزشکان معتقدند که «دیدن انسانی که مانند دیگران روزی با سلامت و سربلندی زندگی میکرد اما امروز غرق در رنج و درد و آکنده از عذاب و خواری است، روح را در وضعیتی دردآور قرار می‌دهد. اینجاست که اخلاق حکم میکند که باید به هر ترتیبی که میشود وی را از درد و رنج نجات داد و اگر معتقد به زندگی بعد از مرگ هم باشیم، چرا باید انسان در رنج یک بیماری بی‌علاج سالها گرفتار بماند تا مرگش فرا برسد... و جالب اینجاست که معتقدان به چنین ذهنیتی، نظراتشان را خلاف سوگندنامه‌ی بقراط نمی‌دانند.

ترحم به معنای جنون نیست و احساس ترحم باید - با درک وضعیت رنج‌آور بیمار - به سویی هدایت شود که درد وی کاهش یابد نه اینکه موضوع گم شود و به جای از بین بردن درد، بیمار را از بین ببریم، که اگر این چنین شد در حقیقت به بهانه‌ی سخت بودن، صورت مساله را پاک کرده‌ایم.

همچنین باید افزود که زندگی زیبا نیست یعنی نه خوب مطلق است و نه ارزش مطلق و در مقابل هم، ممت هرگز مذموم نیست. این هدفها هستند که در برخورد با پدیده‌ها، به آنها رنگ می‌دهند و یا از آنها رنگ می‌زدایند، نه اینکه به ذات پدیده‌ها توانایی رنگ‌آمیزی داشته باشند.

نگاه دینی و فقهی

در ادیان الهی، به علت تمسک به منبع واحد وحی و اشتراک اصول اولیه، همگی حکم واحدی را در مورد اتانازی بیان میکنند.^۹ البته در همین جا باید ذکر کرد که اغلب ادیان ساختگی با اینکه صحبت از معنویت میکنند، ولی اخلاقگرا نیستند برای مثال بودیسم و شیونیسیم و...^{۱۰} اتانازیا را نه فقط جایز میدانند بلکه، آن را در راستای هدف خلقت توجیه میکنند. در دین مبین اسلام، به عنوان مرجع اصلی احکام، اگر به قرآن، این کتاب یکسره زندگی بخش به کالبد‌های مادی، رجوع کنیم خواهیم دید که حکم آن در مورد اتانازیا به خوبی و کامل واضح و آشکار است. طبق آیه‌ی ۱۹۵ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی انعام، قتل نفس و در خطر انداختن آن نه فقط در وصف بی‌ارزش بلکه به حکم شرع حرام است.

در بحث اتانازیا، دو مساله‌ی مهم مطرح است، اول اینکه آیا حیات انسان تحت قاعده‌ی تسلیط قرار می‌گیرد؛ که اگر چنین

خوستگاه اتانازیا را می‌توان یونان معرفی کرد نه از این نظر که یونانیان بیش از همه به آن می‌پرداختند بلکه، بر اساس عقاید فلسفی، آنان نخستین کسانی هستند که اتانازیا را توجیه کردند. سقراط، افلاطون و رواقیون، قتل از روی ترحم را اخلاقی می‌دانستند. ارسطو در کتاب «جمهوریت» اتانازیا را یک تاسیس قابل توجیه می‌داند، فیثاغورث، اپیکورس، سنکا و سیسروپلینی، مرگ بیماران و افراد ضعیف و مسن را امری ستایش شده می‌پنداشتند



باشد از بین بردن آن حق است، در ثانی آیا میشود وضعیتی را فرض کرد که امکان اتانازیای بیمار وجود داشته باشد؟ و اگر اتانازیا صورت گرفت چه حکمی دارد؟

قاعده‌ی تسلیط نسبت به اموال مسلمانان حکم کاملاً واضحی دارد که مسلمانان بر امولاشان هستند و هر تصمیمی - که قصد افراد در آن نباشد - نسبت به اموالش محترم است اما آیا اینکه این قاعده نسبت به نفس حیات هم توسیع می‌یابد؟ جای تردید است^{۱۱} به خصوص هنگامی که قرآن، نبی اکرم(ص) را از باب ولایت ایشان، نسبت به نفس مومنان اولی می‌داند^{۱۲} و حیات را امانت الهی معرفی می‌کند^{۱۳} با این تعابیر نخست این که تصمیم‌گیری در مورد حیات فقط به ذیحیات مربوط نمیشود و دوم این که اتانازیا از اشکال خیانت در امانت است چون تلف کردن امانت الهی است.

در جواب سؤال دوم باید گفت: فقها در مورد کسی که خودکشی میکند حکم به هدر بودن خونش می‌دهند و این بیانگر این حقیقت است که تلف نفس، تعدی انسان از ساحت انسانیت و هم ردیف شدن وی با کفار صریبی است. به خصوص اینکه در انی باب به روایتی از امام صادق (ع) استفاده میشود که می‌فرمایند «من قتل نفسه فهو فی النار»^{۱۴}

و اما در مورد حکم اتانازیا، دو فرض وجود دارد. اگر بیمار دارای حیات مستقر^{۱۵} باشد نه مورد وی و نه دیگران (لاتعاونوا علی الثم و العدوان) حق ندارند تا نسبت به تلف کردن حیات او اقدام کنند. و اگر بیمار دارای حیات غیر مستقر باشد (حالت واسطه‌ای بین مرگ و زندگی، به طوریکه احتمال غالب بر این است که فاصله‌ای تا مرگ نماینده است) نظرات به دلیل شکل خاص این حیات متفاوت است ولی ارجح

آن است که حکم حالت قبل را از باب احتیاط به حیات غیر مستقر تسری دهیم. البته باید بدانیم حیات غیر مستقر با مرگ مغزی متفاوت است چون در مرگ مغزی، معتقد به وجود حیات نیستیم و حالت مذکور در حکم ممات است پس بحث اتانازیا سالبه به انتفاع موضوع می‌باشد.

در مورد عامل عامد و عالم به اتانازیا، در صورت نداشتن رضایت یا آگاهی از بیمار، بدون هیچ شایبه‌ی عمل قتل است و عامل مستوجب قصاص می‌باشد، و در صورت رضایت وی، نظر مشهور بیان میکند که با توجه به قصاص عامل داده می‌شود. در

اینجا شهید ثانی معتقد است: «شخص مقتول با اذن، حق خویش را اسقاط نموده است. بنابراین، وارث نسبت به اجرای قصاص قادر نخواهد بود؛ زیرا وارث فقط نسبت به آنچه از مورث به وی منتقل می‌شود ذی حق است و با توجه به اذن مورث، به وی منتقل میشود ذی حق است و با توجه به اذن مورث، حقی برای او متصور نخواهد بود. به علاوه آنکه موجب تشبه میشود و شبهه دارد - قاعده دراء - است»^{۱۶}

محمدبن حسن بن یوسف نیز در مورد حیات غیر مستقر، برای عاملان نه فقط مسئولیتی قایل نشده است بلکه، آنها را محسن هم میدانند^{۱۷}. در نهایت اجماع فقهای معاصر، بر تحریم تمام اشکال اتانازیا میباشد^{۱۸}.

نگاه حقوقی

نگاه حقوقی ایران، با توجه به ریشه‌های عمیق مذهبی و رو حیات معنوی ملی، از سری نظام‌هایی است که در اصول حقوقی و قوانین موضوعه بر کرامت حیات انسانی تاکید دارد. این موضع‌گیری باعث شده است که اتانازیا در این نظام در ردیف خودکشی و قتل قرار بگیرد. اگرچه خودکشی در این نظام مجازاتی ندارد ولی اگر سبب داشته باشد قابل پیگرد خواهد بود - به عبارت دیگر، اگر اتانازیا مستقیم و فعال باشد در زمره‌ی خودکشی قرار گرفته و چون خودکشی برای عاملش مجازاتی ندارد، به لحاظ قانونی مسئولیت هم ایجاد نمیشود^{۱۹}. اما در مورد سایر اشکال اتانازیا، حکم قضات مستند به ماده‌ی ۲۰۶ ق.ا.م. و ماده‌ی واحده‌ی ۵ خرداد سال ۱۳۵۴ است.

در موردی که دیگران - چه با رضایت بیمار و چه بدون آن - در اتانازیای وی نقش فعال داشته باشند طبق ماده‌ی ۲۰۶، بند الف، (اتانازیا فعال) عمل قتل عمد عمد است یعنی

عمل مثبتی که با قصد گشتن فرد یا افراد معینی صورت گرفته است، مجازات آن هم قصاص است.

سوال اینجاست که آیا رضایت بیمار در تبدیل قصاص به دیه اثر دارد؟ باید گفت: اگر اتانازیا به نتیجه رسیده باشد بدیهی است که رضایت بیمار قبل از قتل وی بوده است. طبق استصحاب حکم قصاص باقی میماند و به خصوص اینکه در عوامل موجهه جرم، اصولاً رضایت مجنی علیه اثری ندارد. اما اگر بیمار زنده مانده باشد، میتواند بعد از اتانازیا نظرش را ابراز کند که در این صورت قصاص ساقط می‌شود و در صورتی که به هر دلیل رضایت ندهد حکم

مخالفتان اتانازیا، می‌گویند: اتانازیا چیزی نیست که بیمار، حتی در بدترین حالتها، آن را طلب کند، اما همراهی نکردن دوستان و خانواده و چشمانی که بیمار را به سوی مرگ راهنمایی می‌کنند، همگی به بیمار می‌گویند که دیگر مفید نیست و فقط بار سنگینی است که با روح و روان و فرصت‌های مالی دیگران بازی میکند

قصاص یا دیه قابل اجرا است.

امانت الهی دانسته‌اند که در زمان مقتضی پس گرفته میشود، در ضمن کتاب مقدس، حیات انسان را پر از رنج و زحمت میدانند و به همین دلیل وی را به اطاعت خدا فرا می‌خوانند (۱:۳ CO-Y). در دین اسلام زندگی امانت و هدیه‌ی الهی است که به عنوان «حیات طیبه» در اختیار انسان قرار داده شده است تا با بهره‌گیری از آن راه کمال و سعادت را بییماید. از این لحاظ ارزش حیات در اسلام کاملاً واضح است، یک ارزش برای رسیدن به کمالات...

۱۰- بودیسم و شینونیسیم زندگی را ذاتاً مقدس می‌دانند به شرط اینکه شامل صنعت «زندگی کردن» باشد. این معنای حیات هم بیشتر مادی است به خصوص اینکه ماهیت «متافیزیک، مابعدالطبیعه» در این ادیان مجهول میباشد. ۱۱- در حقوق غرب چون مبنای تفکر اومانیستی است، «حق مرگ، droit mourir» تحت قاعده‌ی تسلط قرار میگیرد.

۱۲- آیه ۶ سوره‌ی احزاب

۱۳- آیه ۲۲ سوره‌ی احزاب

۱۴- شرایع الاسلام، ج ۴، صفحه‌ی ۹۲۲/ وسایل الشیعه ج ۲۹، ص ۲۴

۱۵- طبق حدیث حسن از امام صادق (ع)، حیات غیر مستقر با عنوان «شیء من الروح» توصیف شده است.

۱۶- مسالک الافهام، شهید ثانی، ج ۲، ص ۳۶۳

۱۷- ایضاح الفوائد، عمد بن حسن بی یوسف، ج ۳، ص ۵۶۰

۱۸- در استفتاء از مقام معظم رهبری (کد ستوال ۵۳۱۵۹) از سایت تنبیلان،

همه بزرگواران بر ندادن جواز و حرمت آن حکم داده‌اند.

۱۹- نظریه‌ی حقوق «در قوانین جاری خودکشی مجازاتی تعیین نشده است

و لذا قانوناً جرم محسوب نمی‌شود»، غلامرضا شهری، نظریات اداره حقوقی، ج ۱،

مسائل کیفری (۱۳۵۸-۷۱)

20. Ruth Baumann – Holze, publication Berne juin 2001.

در موردی که دیگران با رضایت بیمار و برخلاف وظیفه‌ی خود - مانند پزشکان و پرستاران و... - اقدام به اتانازیای منفعل بکنند غیر از مسئولیت انتظامی مربوط، طبق ماده واحده‌ی ۵ خرداد سال ۱۳۵۴ مجازات می‌شوند و اما در صورتی که پزشکان و پرستاران بدون رضایت بیمار، نسبت به اتانازیای منفعل اقدام کنند، ماده‌ی ۲۰۶ اجرا میشود، چون در اینجا ترک فعل پزشک یا پرستار، نتیجه‌ی قطعی فعل را به همراه خواهد داشت.

به هر حال اتانازیا - غیر از مستقیم و فعال، آنهم به تنهایی - با مجازاتهای شدید کیفری روبرو میشود و انگیزه و رضایت بیمار در ماهیت عمل تغییر ایجاد نمی‌کند. اگر چه در مورد ماده واحده‌ی ۵ خرداد سال ۱۳۵۴ - ۶ ماه تا ۳ سال حبس - می‌توانیم با تمسک به ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی و بیان انگیزه‌ی حسن عامل، موجبات تخفیف را فراهم آورد.

در نهایت اگر تصور کنیم که کاهش یا زوال برخوردهای کیفری درباره‌ی اتانازیا قابل توجیه می‌باشد، قسمتی از رساله‌ی دکتر هلز، با عنوان «دورنمای اخلاقی - اجتماعی اتانازیا» در جواب به این تصور بدوی بیان میدارد: «هیچ کس نمی‌تواند نتیجه‌ی اعمال اتانازیا را پیش‌بینی کند و نمیتواند جلوی بی‌اعتمادی‌های احتمالی را نسبت به پزشکان بگیرد و یا خطرهای ناشی از قانونی سازی اتانازیا را پیش‌بینی کند. تجربه‌های علمی در دوران جدید نشان می‌دهد که ساختار حمایتی دولت - نوعاً - بیش از این توان ایجاد امنیت را ندارد، به ویژه با ورود اتانازیا که به تلویح بیانگر تجویز خودکشی است و به هر حال یک تجربه‌ی اجتماعی مسئولانه هم نخواهد بود.»

پانوش:

1. l'authanasie

کمک به خودکشی کسی که دچار بیماری صعب‌العلاج توام با درد و رنج است.

2. l'authanasie en histoire de GAE Suisse juillet 2000

3. Ibid

4. la protection de la qualite de la vie

5. la protection de la dignite de la vie

6. carectiele sacre de la vie

7. l'authanasie en histoire de GAE Ibid

۸- دادگاه عالی آمریکا با همین استدلال و تحت عنوان «حمایت از زندگی‌های ضعیف» در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۷ کمک به خودکشی را غیر قانونی اعلام کرد.

۹- در دین یهود بدون هیچ تردیدی، قدرت خدا در مرگ و زندگی به رسمت شناخته شده است (ps: ۱۱۶: ۱۵ و ot: ۳۲: ۳۹) همچنین در دین یهود حفظ حیات در هر وضعیتی یک مسئولیت مهم میباشد که یهودی باید در انجام آن بکوشد ((saul) is ۳۷:۴)). در عهد جدید، کتاب مقدس با ستایش حیات، آن را

